

چند کلمه با رفیق فتاحی، برای روشن تر شدن بحث

مقاله با نام "رهبری فردی یا سازمانی، کدام علمی است". نوشته و در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۰ منتشر کردم و در تاریخ ۲ Oktober ۲۰۱۲ رفیق محمد فتاحی در رابطه با آن نوشته ای منتشر کردند که من نتوانستم نوشته ی ایشان را درک کنم که آیا این نقد است یا تایید است؟ ایشان چند تا سوال با فرض های محال پرسیدند که می شود به آن ها پرداخت ولی شکی نیست که پشت سر آن به دلیل این که هدف از سوال کردن مشخص نشده می تواند صدها سوال دیگر طرح شود و ما را به ناکجا آباد ببرد. بنابر این پس از فکر کردن بسیار تصمیم گرفتم. اول به رفیق فتاحی بگویم. رفیق عزیز آن چه من از نوشته شما درک کردم این که در نهایت می خواهید نشریه "سازمانده کمونیست" را معرفی کنید که البته این خوب است. و من چندین شماره از آن را خواندم و تنها چیزی که نتوانستم از آن درک کنم موضوع مجمع عمومی است که آن نیز در جای خود بسیار عالی است، اما آنقدر عمومیت دارد و اگر ماقبلش تشکیلی برای سازماندهی آن وجود نداشته باشد آنقدر خود به خودی است که بیان آن در نشریه ی سازمانده کمونیست حتی در انتزاعی ترین بحث نیز با کلمه ی سازمانده دچار تناقض می گردد. و مجموعاً تبلیغ خود به خودیزم است که کلمه ی سازمانده در این میان به طنز تبدیل می شود. با تمام این گفته های مقدماتی هر کدام از انواع تشکل ها و پیش فورم های (مانند مجمع عمومی) برای تشکل یابی و حفظ همبستگی و توازن قوای طبقه ی کارگر لازم هستند و هر کدام در شرایط مخصوص خود و حتی انواع مختلفی از آن ها همزمان لازم و ملزوم یکدیگر می باشند.

برای مطالعه ی بیش تر در این مورد لطفاً به مصاحبه من با نشریه ی آرش که در شماره ۱۰۷ چاپ شده است مراجعه نماید. شاید جواب بیش ترین سوال خود را در آن جا پیدا کنید.

چیز دیگری که از رفیق فتاحی می خواهم این است که به جای طرح سوالات گیج کننده آن هم به سبک روحانیت اسلامی انتظار دارم اگر نوشته ام ایراد یا انحرافات دارد شفاف بیان نمایند که اقدام به رفع آن ها کنم و اگر نواقصی دارد که کمک کنند برطرف شود. اول باید بگویم که در مثل جای مناقشه نیست و من بلا تشبیه قصد هیچ گونه تشبیه و ایجاد ناراحتی ندارم. دوم لازم است در مورد سبک روحانیت اسلامی توضیحی بدهم معمولاً روحانیون وقتی در میان جمعی نشسته اند و می خواهند چیزی را یاد بدهند اول از یک به یک افراد حاضر می پرسند که مثلاً فلان موضوع چیست؟ بعد که همه جواب دادند و مچ همه باز شد که بلد نیستند آن گاه گوشه و کنار عبایش را جمع و جور کرده زیر زانوانش می گذارد و سرفه کرده ی گلوی خود را باز می کند و تسبیح خود را کمی دست به دست کرده که همه چهار چشمی دهان مبارکش را نگاه می کنند تا ببینند چه گوهرهایی سرازیر خواهد شد خوب که همه را متوجه خودش و نادانی خودشان کرد داد سخن می دهد. من مطمئن هستم که قصد رفیق فتاحی این روش نبوده و نمی تواند باشد این را فقط بیان کردم که دیگر از این سبک استفاده نشود.

محمد اشرفی

۱۷/۷/۱۳۹۱

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>
ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com
مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری